

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این اقدام پژوهی با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاه علمی آسمان مراجعه کنید www.asebankafinet.ir

موضوع اقدام پژوهی :

چگونه مانع افت درسی دانش آموزان پایه دوم دبیرستان در درس عربی شدم؟

www.asebankafinet.ir

فروشگاه علمی آسمان

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این اقدام پژوهی با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاه علمی آسمان مراجعه کنید www.asebankafinet.ir.

تقدیم به همه معلمان این مرز بوم و همه کسانی که برای پیشرفت این آب و خاک در تلاش و کوشش.

با سپاس فراوان از همه عزیزانی که در اتمام این پژوهش با من همکاری صمیمانه داشتند .

فروشگاه علمی آسمان

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این اقدام پژوهی با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاه علمی آسمان مراجعه کنید. www.asebankafinet.ir

فروشگاه علمی آسمان

۲.....	چکیده:
۲.....	کلید واژه :
۳.....	مقدمه
۳.....	منظور از افت تحصیلی چیست؟
۴.....	خسارت‌های ناشی از افت تحصیلی:
۵.....	عوامل موثر بر افت تحصیلی:
۸.....	زبان عربی
۱۰.....	توصیف وضعیت موجود
۱۱.....	زمینه های پیدایش مساله:
۱۹.....	اهمیت پژوهش:
۲۰.....	اهداف تحقیق:
۲۲.....	روش جمع آوری اطلاعات (شواهد ۱)
۲۲.....	نتایج حاصل از فرم نظر سنجی:
۲۳.....	گردآوری اطلاعات شواهد ۲
۲۵.....	پیشنهادهات:
۲۶.....	منابع

چکیده:

افت تحصیلی کاهش عملکرد دانش آموز از رضایت بخش به نامطلوب است، اگر بین استعداد بالقوه و بالفعل دانش آموزی فاصله ای ایجاد شود، از آن به عنوان افت تحصیلی یاد می شود و بهترین شاخص در این زمینه مقایسه عملکرد قبلی و فعلی است

در این پژوهش که در مدرسه متوسطه و مقطع دوم متوسطه در درس عربی صورت گرفته دلایل افت درسی دانش آموزان با استفاده از روش پرسش نامه و مصاحبه با اولیاء مورد بررسی قرار گرفته است .

ارتباط نزدیکی بین آموخته های قبلی دانش آموزان با مطالب درس جدید وجود دارد.

مشارکت دانش آموزان در تدریس ها به تعمیق آموخته های او کمک شایانی می کند.

انجام بازی فردی و گروهی کلاس را شاداب و از دلزدگی نسبت به درس عربی می کاهد.

عامل تشویق تاثیر محسوسی در بهبود فرآیند یادگیری دارد.

استفاده از وسایل کمک آموزشی در یادگیری دانش آموزان نقش مثبت دارد.

کلید واژه :

عربی - دوم متوسطه - افت درسی

منظور از افت تحصیلی چیست؟

معنای لغوی افت عبارت است از کمبود، کمی، کم و کاست و نقصان. لذا افت تحصیلی به معنای کمبود و نقصان در فرآیند تحصیل است. یا به معنای تحت اللفظی آن سنجش علل آمار تجدیدی و مردودی دانش آموزان است.

افت تحصیلی کاهش عملکرد دانش آموز از رضایت بخش به نامطلوب است، اگر بین استعداد بالقوه و بالفعل دانش آموزی فاصله ای ایجاد شود، از آن به عنوان افت تحصیلی یاد می شود و بهترین شاخص در این زمینه مقایسه عملکرد قبلی و فعلی است. گاهی افت تحصیلی فراتر از اعدادی است که ذکر می شود، گاهی اوقات با این که دانش آموز قبول می شود و به پایه بالاتر راه می یابد اما آموزش، کیفیت لازم را ندارد و دانش آموز از نظر سطح دانش و معلومات پایین است و در این خصوص می توان از افت پنهان نام برد.

افت تحصیلی کاهش نسبی فعالیت درسی و مطالعه یک دانش آموز در یک دوره نسبی در مقایسه با دوره نسبی قبل از آن

کسی که طی سه ماه نمرات در حد ۱۵ داشته اما در دو هفته اخیر در تمامی یا تعدادی از دروس نمرات حدود ۱۲ کسب کرده، می گوییم در حال حاضر نسبت به سه ماه پیش افت تحصیلی دارد. منظور از آوردن کلمه نسبی این است که افت تحصیلی تنها شامل دانش آموزان ضعیف نبوده حتی کسی که چند ماه پیش نمرات حدود ۱۸ داشته اگر در حال حاضر نمرات حدود ۱۶ کسب می کند، دو نمره نسبت به دوره قبل افت دارد.

افت تحصیلی دانش آموزان یکی از مشکلاتی است که اگر به آن توجه نشود، گاهی موجب دلسردی و ترک تحصیل خواهد شد و شکست دانش آموز در تحصیل، اتلاف سرمایه انسانی و اقتصادی را در پی دارد. بنابراین عوامل افت تحصیلی باید به طور دقیق

موشکافی و راهکارهای اساسی برای جلوگیری از آن ارائه شود.

هنگام مواجه شدن با افت تحصیلی در دانش آموزی نباید انگشت اتهام به سمت او برده و از او به عنوان شاگردی تنبل و بی انضباط یاد شود، چون گاهی ممکن است وضعیت آشفته و نا به سامان خانواده در آن نقش داشته باشد. اولیای دانش آموزان باید ارتباط بیشتری با مدرسه برقرار کنند و در جریان تعلیم و تربیت فرزندان خود و روند آموزش آن ها قرار گیرند.

افت تحصیلی و مردودی یکی از قدیمی ترین و شناخته شده ترین مسائل آموزش و پرورش در بسیاری از کشورهاست و تحقیقات نشان می دهد هیچ کشوری نتوانسته است یک راهکار برای جلوگیری صد در صدی این مشکل ارائه دهد اما تمام کشورها متناسب با شرایط و وضعیت خود بررسی هایی را انجام و راهکارهایی را ارائه داده اند. پس بهتر است که بر اساس واقعیت های موجود و شناختی که از عوامل ایجاد افت تحصیلی بدست آمده است ، حتی در مناطق مختلف آموزشی ، نسخه های متفاوتی پیچید و منحصر به روش های کلیشه ای نبود .

خسارت های ناشی از افت تحصیلی:

۱- هزینه های تحمیل شده به دولت یا آن چه افت تحصیلی به نظام آموزشی تحمیل می کند را میتوان شامل موارد زیر دانست :

الف: اتلاف هزینه های جاری اداره و موسسات آموزشی توسط دولت.

ب: اتلاف سرمایه گذاری های ثابت برای احداث و تجهیز فضاهای آموزشی و پرورشی.

۲- هزینه‌های تحمیل‌شده بر خانواده شامل:

الف: اتلاف هزینه‌های مستقیم خانواده مثل پرداخت حق ثبت‌نام، هزینه لوازم‌التحریر.

ب: اتلاف هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات برای رفت و آمد دانش‌آموزان به مدرسه.

۳- خسارت‌های وارده به دانش‌آموزان شکست خورده شامل:

الف: هزینه فرصت از دست رفته بر اثر دیرتر راه یافتن به بازار کار.

ب: خسارت‌های دیگری که بر فرد وارد می‌شود مثل هزینه واقعی سرخوردگی، احساس حقارت و بی‌کفایتی و خودپنداری منفی.

به نظر می‌رسد که بعد روانی اجتماعی خسارت‌ها که به دانش‌آموز و خانواده او وارد می‌شود، به مراتب ضربات روانی جدی‌تری نسبت به

بعد مادی بر خانواده و فرد تحمیل می‌کند و متأسفانه جبران زخم‌های شکست تحصیلی به سختی و کندی انجام می‌شود.

عوامل موثر بر افت تحصیلی:

این عوامل را به طور خلاصه میتوان چنین بیان نمود و آن را در ۴ بخش خود دانش آموز، خانواده، مدرسه و اجتماع لحاظ نمود:

۱. عوامل مربوط به خود دانش آموز

• عوامل فیزیولوژیکی و جسمی مانند ضعف بینایی و شنوایی و غیره

• عوامل ذهنی و روانی مانند میزان هوش و قدرت حافظه و سلامت روانی

• نداشتن هدف واقعی و عینی و روشن از تحصیل

• عدم انگیزش درونی برای تحصیل و مطالعه

• نداشتن اعتماد به نفس کافی

• ضعف اراده در تصمیم گیری های تحصیلی و مطالعه و اجرای تصمیمات

• عدم برنامه ریزی دقیق از لحاظ زمان و میزان مطالعه روزانه

• نداشتن روش مطالعه مناسب برای دروس مختلف

• مهارت های مطالعه نادرست .

۲. عوامل مربوط به خانواده

• اختلاف خانوادگی و خانواده آشفته ، طلاق فیزیکی یا روانی والدین ، وجود نا مادری یا نا پدری و غیره

• اختلاف فرزندان با خانواده مانند لجبازی با والدین و اعتراض به جو خانواده

• وابسته و متکی نمودن فرزندان به والدین در امور درسی و تکالیف منزل از دوران ابتدایی

• تحقیر ، سرزنش و مقایسه نادرست فرزندان با همسالان موفق و در نتیجه پایین آوردن اعتماد به نفس و خود

پنداری آنان

• تغییرات منفی در خانواده مانند ورشکستگی سیاسی و اقتصادی و اعتیاد و غیره

• تغییر در جهت ارتقای سریع و غیر مترقبه سطح اقتصادی یا اجتماعی خانواده و از خود باخنگی و غافلگیر

شدن فرزندان و انواع انحرافات

۳. عوامل مربوط به مدرسه

- گروه همسالان مانند مزاحمت و شوخی های نابجا در کلاس درس
- رفتارهای نامناسب عوامل اجرایی مدرسه مانند مدیر، معاونین، دبیران و مشاوران
- جو عمومی حاکم بر مدرسه از لحاظ درسی مانند سخت گیری بیش از حد دبیران در دادن نمره به خاطر بالا فرض کردن سطح علمی مدرسه یا هم رنگ شدن دانش آموز با سایر دانش آموزان ضعیف با فرض اینکه همه دانش آموزان مدرسه ضعیف هستند

۴. عوامل مربوط به اجتماع

دوستان ناباب

- استفاده نادرست از کلوپ های ورزشی، بدن سازی، بیلارد و غیره
- استفاده نادرست از کافی نت ها و گیم نت ها گذراندن وقت زیاد در خیابان ها و خارج از منزل
- برنامه های کوتاه و دراز مدت جهت جلوگیری از افت کاهش افت تحصیلی
- افت تحصیلی موضوعی غیر قابل حل نیست، اما حل آن هم یکباره و ناگهانی و با شیوه های آنی میسر نیست.
- برای مقابله با این پدیده، به برنامه ریزی های درازمدت و زیربنایی احتیاج است. برنامه هایی که بر اساس واقعیت های اجتماعی باشند و ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه ریزی آموزشی را داشته باشند.
- الف: برنامه های درازمدت یا بنیادی: این برنامه ها تدابیر زیربنایی است که یک سیاست کلی را در نظام آموزشی می طلبد.

برخی از جزئیات این روش ها عبارتند از:

۱- تجدید نظر در نظام ارزشیابی.

۲- کاهش تعداد دانش‌آموزان هر کلاس.

۳- ارزیابی هوشی دانش‌آموزان و شناخت توانایی های آنان قبل از شروع مقطع تحصیلی جدید .

۴- تجمیع امکانات آموزش و پرورش و استفاده بهینه از امکانات .

زبان عربی

در بعضی از جوامع مسلمان و غیر عرب ، زبان عربی جایگزین زبان اصلی آنها گردید که در این خصوص می توان به جوامع شمال آفریقا اشاره نمود. اما بعضی از جوامع ، زبان اصلی خود را فراموش نداشتند و آن را در کنار زبان عربی حفظ نمودند. از جمله کشور مسلمان ایران.

آموزش این زبان در آموزش و پرورش کشور ما از دوره متوسطه به طور رسمی آغاز می شود و سالانه وقت زیادی از معلمان و دانش آموزان صرف یادگیری مسائل مختلف این زبان به عنوان زبان خارجی می شود.

یادگیری این زبان از گذشته های دور در میان ملل و جوامع اسلامی از اهمیت شایانی برخوردار بوده است چراکه:

الف: زبان کتاب آسمانی مآقرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و امامان بزرگوارمان (علیهم السلام) عربی است و بهترین راه برای گام نهادن به دنیای دلپذیر علوم و معارف اسلامی آشنایی با زبان عربی

ب: بسیاری از واژه های عربی که در زبان فارسی به کار می رود، واژه هایی زیباست. مثل: نسیم، شهاب، احساس

ج: بسیاری از واژه های کاربردی ریاضیات عربی است. مثل جبر، هندسه، مستطیل جمع و تفریق.

د: ادبیات فارسی کاملاً با واژه ها، اشعار و ضربالمثل های عربی در آمیخته است و لازمه ی خوشه چینی از ادب پارسی آشنایی با زبان عربی است.

ح: هم اکنون پایگاه های اینترنتی فراوانی به زبان عربی به کاربران سراسر جهان اطلاعات علمی و فرهنگ ارائه میکنند.

خ: بسیاری از دانشمندان برجسته ی ایران زمین آثار علمی فاخر خود را به زبان عربی نوشته اند، بزرگانی همانند ابوعلی سینا، زکریای رازی، ابن مسکویه، خوارزمی، جابر بن حیان، غیاث الدین جمشید کاشانی، غزالی صدرالمتألهین شیرازی، حکیم عمر خیام نیشابوری.

د: زبان عربی از دروس تأثیرگذار برخی از رشته های دانشگاهی نظیر زبان و ادبیات فارسی، حقوق، الهیات و معارف اسلامی، فلسفه و تاریخ علم، ایران شناسی به شمار می رود.

پس از برگزاری امتحان آبان ماه متوجه ضعف دلنش آموزن شدم با توجه این جانب سکینه خورشیدی دبیر دینی و عربی در مدارس ناحیه دو ساری مشغول به تدریس هستم و با توجه به این که چگونگی آسیب شناسی و رمز موفقیت در آموزش عربی موضوعی است که به سادگی نمی توان از آن گذشت و تعهد و مسئولیتی که در قبال دانش آموزان و شغل خود احساس می کردم بر آن شدم تا مساله را پیگیری کنم.

توصیف وضعیت موجود

پس از برگزاری امتحان ماهانه اول متوجه ضعف دانش آموزان در یادگیری عربی شدم. پاسخ گویی دانش آموزان در طول یک ماه اول سال تحصیلی به تمارین مشکلی را نشان نمی داد اما نتایج امتحان ماهانه دوم مطلوب به نظر نمی رسید. پس به ناچار می بایست دنبال راه حل مناسب برای حل مشکل می بودم. تقریباً مشکل تعداد زیادی از دانش آموزانم ضعف در تمامی قسمت ها بود. پس به ناچار مسئولیت هر دو دانش آموز ضعیف را به یک سرگروه دادم. پس از شروع کلاس های اقدام پژوهی تلاش کردم موضوع را به نحوه دیگری بررسی کنم که در ادامه به آن اشاره خواهم کرد.

زمینه های پیدایش مساله:

بدیهی است که دانش آموزان محور مهمی از آموزش و پرورش را تشکیل می دهند و ویژگی های آنان در تسهیل یا دشواری یادگیری تمام دروس مؤثرند. این ویژگی ها در یادگیری دروسی که برای آنان تازگی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. ویژگی های دانش آموزان در دو حیطه شناختی و عاطفی با یادگیری دروس زبان خارجی مرتبط می شوند. از ویژگی های شناختی آنان می توان به هوش، تجارب و آموخته های گذشته اشاره کرد. هوش دانش آموزان در یادگیری تمامی دروس تأثیرگذار است. تجارب و آموخته های گذشته آنان در یادگیری درس عربی به شکل خاصی نقش بازی می کند. بدین صورت که دانش آموزان در کلاس اول متوسطه تقریباً بدون گذراندن هیچ درس

پیش نیاز، یادگیری این درس را آغاز می کنند و طبیعی است که عملکرد آنان در این درس در مقایسه با دروس دیگر از جمله ریاضی، فارسی و... متفاوت و احتمالاً پایین تر باشد.

تحقیقات مختلف از جمله تحقیق بلوم در چندین کشور دنیا نشان داده است که رفتارهای ورودی شناختی نقش مهمی در یادگیری آموزشگاهی دارند. بنابراین، یکی از موانع یادگیری دروس عربی و زبان انگلیسی فقدان رفتارهای ورودی شناختی کافی در دانش آموزان است.

در حیطه عاطفی و رفتارهای ورودی عاطفی می توان به تجارب دانش آموزان که در سال های قبل از یادگیری زبان عربی از طریق اعضاء خانواده (خواهران و برادرانی که در دوره متوسطه و دبیرستان تحصیل میکنند) و دوستان و... کسب می شوند، اشاره کرد.

به نظر می رسد که بیشتر دانش آموزان در هنگام ورود به کلاس های این درس نگرش مثبتی نسبت به یادگیری آن ندارند و احتمالاً یا دارای حالتی خنثی و یا منفی هستند.

با توجه به اینکه تحقیقات قبلی نقش رفتارهای ورودی عاطفی را در یادگیری دروس تقریباً ۲۵ درصد بیان داشت هاند، لذا می توان گفت که ۲۵ درصد از علت پیشرفت یا عدم پیشرفت دانش آموزان در این دروس به رفتارهای ورودی عاطفی آنان مربوط می باشد.

عامل دوم در زمینه رفتارهای ورودی عاطفی به انگیزه دانش آموزان بر می گردد. در واقع هیچ فردی بر نقش انگیزه در یادگیری تردید ندارد و این انگیزه در یادگیری زبان خارجی به دو شکل می شود. انگیزه یکپارچه و انگیزه وسیله ای مطالعات پژوهشی گسترده ثابت کرده اند که زبان آموزان هنگامی بیشترین موفقیت را کسب میکنند که فرهنگ و مردم وابسته به زبان خارجی مورد مطالعه خود را دوست داشته باشند و بخواهند با جامعه ای که در آن به آن زبان تکلم می شود، آشنا شوند. این حالت را اصطلاحاً انگیزه یکپارچه گویند.

منظور از انگیزش وسیله ای، این است که در این نوع انگیزه هدف از یادگیری زبان خارجی بیشتر کاربرد آن است، مانند گذراندن واحد درسی یا آماده شدن برای کنکور. زبان آموزانی که دارای انگیزه وسیله ای هستند، موفقیت چندانی در کلاس های زبان خارجی کسب نمیکنند. حال اگر بی انگیزگی تعدادی از دانش آموزان در زبان عربی به این عامل افزوده شود، پیش بینی عملکرد آنان در یادگیری این درس بسیار آسان خواهد بود و آن هم این است که صرف داشتن انگیزه ابزاری باعث یادگیری سطحی دروس مذکور خواهد شد و نداشتن انگیزه ی چگونه یادگیری را به دنبال نداشته و حتی باعث احساس استرس و سرانجام ایجاد تنفر نسبت به کتاب و دبیران این درس خواهد شد. (گرچی، ۱۳۷۵)

به عبارتی دیگر، می توان گفت فراگیرانی که دارای انگیزه یکپارچه هستند، می توانند در یادگیری زبان خارجی موفقیت کسب نمایند، حال آنکه زبان آموزان واجد انگیزه وسیله ای ممکن است حتی در هنگام قرار گرفتن در بافت زبان دوم، موفقیت چندانی به دست نیاورند.

البته میزان قرار گرفتن در معرض زبان دوم نیز اهمیت دارد. هیچ کس نمی تواند بدون اینکه به اندازه کافی در معرض زبانی قرار گیرد، بر آن مسلط شود. مهم ترین برنامه های زبانی طوری طرح ریزی میشوند که از هر

سه عامل مورد بحث یعنی انگیزه یکپارچه، وسیله ای و قرار گرفتن در معرض زبان و بافت زبان موردنظر استفاده کنند.

از این رو برنامه های تابستانی در خارج از کشور (مثل سفر حج یا زیارت عتبات عالیة در کشورهای عربی) یا برنامه های مربوط به گذراندن سال آموزشی در خارج از کشور موجب خواهد شد تا آنانی که از انگیزه یکپارچه برخوردارند فرصت یادگیری زبان را در بافتی پیدا کنند که در همان زبان به منزله وسیله ارتباطی عمده عمل می کند و لذا فرصت استفاده دائمی از آن زبان را به دست می آورند. هر چند که انجام این راهبرد پیشنهادی برای نظام آموزش و پرورش تقریباً امکان پذیر نیست.

یکی از عواملی که باعث کاهش انگیزه وسیله ای دانش آموزان نسبت به یادگیری درس عربی می شود این است که این درس برای آنان جنبه کاربردی ناچیزی دارد. بدین معنی که یک دانش آموز ممکن است این گونه پیش بینی نماید که تا پایان عمر خود با یک فرد عرب زبان مواجه نخواهد شد و یا در شرایطی قرار نخواهد گرفت که مجبور به استفاده از آموخته های کلاسی خود شود. علاوه بر این، چنانچه دانش آموزان قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشته باشد و یا رشته مورد علاقه او در دانشگاه نیازی به یادگیری زبان عربی نداشته باشد، انگیزه وسیله ای او بسیار کاهش خواهد یافت.

عاملی که در کاهش انگیزه یکپارچه دانش آموزان نقش دارد وجود نگرش منفی و یا خنثی نسبت به مردمان کشورهای عرب زبان در زمینه پیشرفت علمی، تکنولوژی و انسانی است. این عامل باعث می شود تا شاید هیچ دانش آموزی آرزوی زندگی و تحصیل در کشورهای عرب زبان را در ذهن نداشته باشد و لذا ضرورتی برای یادگیری این درس احساس نکند.

از عوامل مربوط به جامعه می توان به ناکافی بودن مؤسسات آموزش زبان عربی در سطح شهرها اشاره نمود. ملاحظه می شود که برای یادگیری زبان انگلیسی، دانش آموزان می توانند در مؤسسات خصوصی آموزش زبان شرکت نمایند. اما در خصوص زبان عربی چنین مؤسساتی یا وجود ندارد و یا بسیار محدوداند. طبیعی است که

دانش آموزان با یادگیری زبان انگلیسی در دوره ابتدایی و یا همزمان با درس زبان انگلیسی در مدرسه می توانند عملکرد بهتری در این درس از خود نشان دهند ولی در درس عربی این امتیاز در جامعه ما وجود ندارد.

در جامعه، مردم و خانواده ها نیز اهمیتی که برای یادگیری زبان انگلیسی قای لاند، نسبت به درس عربی و زبان عربی قایل نیستند. به عبارتی دیگر، ضمن ب یاهمیت دانستن یادگیری زبان عربی، نگرش چندان مثبتی به تکلم با آن زبان وجود ندارد. از این رو، تقویت های اجتماعی که زبان آموز در درس زبان انگلیسی از دیگران دریافت می کند، در درس عربی دریافت نمی نماید.

در یادگیری زبان فارسی و قواعد آن عوامل دیگری به غیر از معلم و مدرسه نقش دارند ازجمله کتاب های غیردرسی، داستانی، رسانه های گروهی مانند تلویزیون و رادیو، مطبوعات مانند مجلات و روزنامه ها. این عوامل در یادگیری درس عربی و زبان در جامعه وجود ندارند. لذا یادگیری دانش آموز به فعالیت های معلم و کتب درس عربی محدود می باشد.

در مقایسه با دبیران زبان می توان گفت که آنان تقریباً به خوبی می توانند به این زبان تکلم کنند و با یک فرد خارجی زبان مکالمه نمایند. اما دبیران عربی در این حد توانمند نیستند، شاید یکی دیگر از موانع مربوط به معلمان وجود این قانون در آموزش و پرورش باشد که یک دبیر اگر ۳ سال این درس را در دبیرستان تدریس کرده باشد می تواند این دروس را ارائه نموده و به عنوان دبیر عربی شناخته شود.

معلمان عربی شناختی از دانش زبان شناسان و روان شناسان ندارند. بدین معنی که یک دبیر عربی فاقد آشنایی لازم با یادگیری زبان و مراحل تکامل آن و روان شناسی یادگیری و روش های آموزشی کارآمد می باشد.

دبیران عربی نمی توانند اهداف تدریس زبان عربی را به حدی که دانش آموزان متقاعد شوند، تبیین نمایند و شاید علت آن نظام آموزشی باشد که این تبیین را برای دبیران بیان نکرده است و لذا هر دبیر در حد توان خود تلاش می کند تا هدف از یادگیری زبان عربی را برای دانش آموزان تبیین نماید.

بنابراین وقتی دانش آموزان پاسخ کافی نسبت به این سؤال که چرا باید درس عربی را یاد گرفت؟ دریافت نمیدارند، انگیزه لازم برای تحمل دشواری های یادگیری این درس را پیدا نخواهند کرد.

عدم استفاده دبیران از روش های متنوع تدریس در کلاس های عربی و تأکید صرف بر روش آموزش سنتی به صورت سخنرانی باعث افت جذابیت مطالب این درس می شود. عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی نیز بر این مشکل خواهد افزود.

بنابراین، تا زمانی که اهداف یادگیری و آموزش درس عربی تبیین و اصلاح نشوند، روش های سنتی جای خود را به روش های فعال و فرآیند مدار و روش یادگیری در حد تسلط ندهند و دبیران دانش کافی در خصوص علم روا شناسی و زبا شناسی به دست نیاورند، عملکرد یادگیری دانش آموزان و عملکرد آموزشی دبیران در همین سطحی که وجود دارد، خواهد بود.

آیا دبیران زبان عربی در مورد تئوری های رشد زبان و آموزش زبان دوم شناختی دارند؟ نگاهی به واحدهای درسی گذرانده شده آنان نشان می دهد که آنان مستقیماً این مطالب را در طول دوران تحصیل خود فرا نمی گیرند. لازم است در اینجا مختصری از این روش ها و مطالب مورد نیاز آورده شوند. اول اینکه باید خاطر نشان شود که بین زبان دوم و زبان خارجی تفاوت وجود دارد.

بدین صورت که در یادگیری زبان دوم امکان قرار گرفتن زبان آموز در بافت آن زبان وجود دارد. اما این شرایط برای یادگیری زبان خارجی میسر نیست. برای مثال برای یک فرد ترک زبان، زبان فارسی به عنوان زبان دوم مطرح می باشد و او می تواند در شهرهایی که به زبان فارسی تکلم میکنند قرار گیرد و یا از صداوسیما آن را فرا گیرد و یا در محیط مدرسه روزانه چند ساعت در معرض و بافت زبان فارسی قرار گیرد اما برای یادگیری زبان عربی این امکان به راحتی فراهم نمی باشد و ناچاراً باید در قالب کتاب و دستورات آموزشی آن را فرا گیرد.

از طرف دیگر، بین یادگیری زبان اول (تکلم به زبان مادری) و زبان دوم یا خارجی تفاوت وجود دارد. بدین معنی که یادگیری زبان اول نوعی فراگیری جهانی است یعنی همهٔ کودکان یاد می‌گیرند تا به زبان مادری خود تکلم نمایند. اما یادگیری زبان دوم یا خارجی برای آنان حالتی فراگیر و اجباری ندارد. یعنی یک کودک فارس زبان همان زبان مادری خود را می‌داند و اجباری به یادگیری زبان عربی احساس نمی‌کند. ولی یک کودک ترک زبان ناچار می‌شود زبان فارسی را در مدرسه بیاموزد ولی برای یادگیری زبان عربی آنچنان تحت فشار و اجبار قرار ندارند.

در واقع تنها دلیل یادگیری زبان دوم یا خارجی برآورده نشدن نیازهای ارتباطی افراد به وسیله زبان اول است. از آنجا که تعداد زیادی از همسایه‌های ایران را کشورهای عرب زبان تشکیل می‌دهند و ارتباطات بیشتری بین ایرانیان و کشورهای عرب زبان مثل عراق، کویت، عربستان و سوریه وجود دارد، برای ایجاد ارتباط با آنها، نیاز به یادگیری زبان عربی وجود دارد.

اکثر شرایط یادگیری زبان دوم مانند یکی از سه نوع زیر می‌باشد:

اضافی، تکمیلی و جانشینی در نوع اضافی، فرد علاوه بر یادگیری زبان اول به یادگیری زبان دوم نیاز دارد یعنی یادگیری زبان دوم در شرایط خاص مورد نیاز خواهد بود. مثلاً وقتی فرد برای مدت کوتاهی به یک کشور عرب زبان می‌رود یا علاقمند به خواندن مطالب نویسندگان خارجی است.

در نوع تکمیلی، زبان دوم نقش تکمیلی برای زبان اول دارد. این مورد شامل اهل یک لهجه خاص می‌باشد که خواندن و نوشتن را به زبان استاندارد می‌آموزند مثل ایرانیان که عربی را به منظور تکمیل آموزه‌های دینی خود یاد می‌گیرند.

در یادگیری از نوع جانشینی، زبان دوم به تدریج تمامی احتیاجات ارتباطی گوینده را فراهم می‌سازد و از به کار بردن زبان اول در می‌ماند و آن را به نسل بعد منتقل نمی‌کند. در واقع زبان دوم جایگزین زبان اول می‌گردد.

لازم است در مورد روش های مهم زبان آموزی نیز سخنی به میان آید و آن اینکه این روش ها را می توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

۱. روش دستور ترجمه

۲. روش مستقیم

۳. روش تقلیدی حفظی یا گوشه زبانی

۴. روش شناختی

در روش مستقیم، معلم به زبان موردنظر صحبت کرده و تدریس می نماید. یعنی دبیر صرفاً از زبان خارجی استفاده می کند و برای درک بهتر دانش آموزان از مطالب مورد آموزش از تصاویر و وسایل کمک آموزشی بهره می گیرد. مثل درس دادن استادان دانشگاه در رشته زبان انگلیسی در روش تقلیدی حفظی، صحبت کردن و گوش کردن مورد تأکید است و نوشتن و خواندن معمولاً یک هدف ثانویه محسوب می گردد.

در روش دستور ترجمه، معلم به آموزش قواعد دستوری و ترجمه متون زبان خارجی می پردازد یعنی همان روش مورد استفاده دبیران عربی در نظام آموزشی ما.

البته در عمل به ندرت می توان به یک کلاس درس زبان خارجی برخورد کرد که منحصراً براساس یکی از روش های مذکور عمل کنند، بلکه تلفیقی از این روش ها به کار برده میشوند.

ولی، در مدارس ایران و در درس عربی روش دستوری ترجمه حالتی غالب دارد. عدم توجه کافی از سوی مؤلفین کتاب ها و معلمان به بعد محتوایی آموزش زبان عربی و تأکید بیش از اندازه بر بُعد دستوری آن. این موضوع به ویژه با وسعت بسیار زیاد قواعد دستوری در این زبان باعث کاهش انگیزه فراگیران و دشواری یادگیری آنان می شود.

مشکل دوم، تدریس نتیجه مدار است که هدف از آموزش زبان عربی و یادگیری آن توسط دانش آموزان، پرورش توانایی پاسخگویی به سؤالات کنکور می باشد. مانع دیگر عامل زمان است.

اگر هدف آموختن مطالب درسی در حد یکسان باشد، باید زمان موردنیاز برای همه دانش آموزان فراهم شود مطالب فعلی درس عربی برای یک دانش آموز دارای هوش متوسط بالا و انگیزه وسیله ای بالا مناسب می باشد ولی برای دانش آموزان واجد هوش متوسط یا بعضاً متوسط پایین، نمی تواند کفایت کند. بنابراین اگر هدف آموزش و پرورش رسیدن به یادگیری یکسان در فراگیران باشد باید تفاوت های شناختی و انگیزشی آنان را در نظر گرفته و زمان های متفاوتی را صرف رسیدن به این هدف نماید.

تدریس قواعد به منظور کمک به تسهیل یادگیری زبان عربی است. به نظر می رسد در تدریس دروس عربی در سیستم آموزش و پرورش ایران، این نکته بالعکس اجرا می شود، یعنی به جای تأکید و تلاش در جهت ژر فسازی مکالمه عربی و رسیدن به هدف این درس که همان قرائت و ترجمه صحیح متون دینی می باشد آن قدر به نکات دستوری پرداخته می شود که ضیق وقت تدریس این کتب مانع از وقت و سرمای هگذاری زمانی برای قرائت ترجمه صحیح می گردد. با توجه به اینکه مؤلفین این کتب هم در دستور کارشان این نکات را گنجانده اند ولی نتیجه مداری فرایند تدریس باعث می شود که جهت تقویت توانایی دانش آموزان در پاسخ دهی به سؤالات کنکور همین. بخش مذکور یعنی دستور زبان اهمیت بیشتر بیابد.

استفاده از دستور زبان در کلاس زبان خارجی فقط به منظور جبران نبود محیط مناسب برای یادگیری توصیه می شود یعنی محیطی که در آن زبان آموز پیوسته در معرض زبان قرار گیرد. معلمان عربی باید به دستور زبان فارسی هم مسلط باشند تا با توجه به آموخته های دانش آموزان از ادبیات فارسی، نکات مرتبط به آن در عربی را توضیح دهند. مثلاً در تدریس موصوف و صفت، راه شناخت موصوف از صفت از طریق معنی را چون در فارسی خواند هاند سریع تر یاد می گیرند.

یکی از موانع یادگیری زبان عربی این است که دانش آموزان پیوندی بین یادگیری مطالب زبان عربی با زبان فارسی ایجاد نمی کنند و دو زبان را به صورت تقریباً جداگانه می آموزند.

اهمیت پژوهش :

زبان عربی از یک سو زبان کتاب جاودان خداوندی و میراث پربهای اسلامی از حدیث و تاریخ، تفسیر و دیگر دانش ها بوده و از سوی دیگر زبان مشترک خانواده ی بزرگ مسلمانان است.

علاوه بر این، ارتباط با جمعیت انبوهی که با وجود تفاوت های دینی و اقلیمی از خاور میانه تا شمال آفریقا و از کرانه های مدیترانه تا جنوب شرق آسیا با این زبان گفت و گو می کنند و با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی هم چون شبکه های ماهواره ای، پایگاه های اطلاع رسانی، نشریات گوناگون پرتیراژ، کتاب ها و مقالات متنوع که روز به روز بر آن افزوده می گردد، اهمیت فراگیری و استفاده از این زبان را دو چندان می کند. شاید به جهت این گستردگی است که زبان عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد قرار گرفته است. هم چنین، دلدادگی ایرانیان به بهره گیری از معارف دینی و دسترسی به منابع اصیل آن و آمیختگی چشمگیر زبان فارسی با زبان عربی و پیوندهای فراوان با محیط های عربی به ویژه کشورهای همسایه زمینه ی فراگیری و آموزش زبان عربی را در دوران متمدنی در کشور ما رونق بخشیده است.

یادگیری عربی پایه دوم متوسطه که شامل شناخت فعل ماضی و مضارع و ضمایمی باشد اهمیت زیادی دارد. چراکه عاملی جهت تسهیل در ترجمه متون عربی و کمک جهت فراگیری انواع فعل (امر، نهی، نفی) در پایه دوم متوسطه و مقاطع بالاتر خواهد بود و عدم تسلط بر عربی پایه دوم موجب بروز مشکلاتی در مقاطع بالاتر خواهد شد.

بند چ آیین نامه ارزشیابی تحصیلی و تربیتی دوره متوسطه تحصیلی در شماره ۵ صفحه ۳ یکی از اهداف دوره متوسطه تحصیلی را چنین بیان می کند.

بازبان عربی برای فهم بهتر قرآن و احادیث و ادعیه و ادبیات فارسی تاحدودی آشنا است.

اهداف تحقیق :

۱. آشنایی با فعل ماضی و ۱۴ صیغه آن. (مفرد-مثنی-جمع-غایب-مخاطب-متکلم) و کاربرد صحیح فعل ماضی در جمله.

۲. آشنایی با فعل مضارع و ۱۴ صیغه آن. (مفرد-مثنی-جمع-غایب-مخاطب-متکلم) و کاربرد صحیح فعل مضارع در جمله.

۳. آشنایی با ضمایر منفصل.

۴. تسلط بر لغات و اصطلاحات کتاب.

۵. روانخوانی متون عربی کتاب.

علل احتمالی پیدایش مساله :

۱. نحوه تدریس معلم.

۲. سخت بودن عربی پایه دوم.

۳. کم بودن ساعات تدریس درس عربی.

۴. عدم انگیزه دانش آموزان و اولیاء ایشان جهت فراگیری زبان عربی به عنوان زبان دوم.

۵. عدم تکرار و تمرین در منزل.

۶. عدم جایگزینی صحیح در برنامه هفتگی.

۷. استفاده برنامه از تلویزیون-کامپیوتر و ماهواره.

۸. عدم پیگیری اولیاء

تعریف واژگان و مفاهیم :

تعریف نظری :

درس عربی- افزایش - نمره

درس عربی : عربی یکی از زبان های مهم دنیا است.

افزایش : به معنای افزودن - اضافه کردن.

نمره : وسیله ای برای سنجش میزان یادگیری دانش آموزان که از ۰ تا ۲۰ را شامل می شود.

تعریف عملیاتی:

درس عربی: یکی از زبان های خارجی است که تدریس آن از دوره متوسطه آغاز می شود که شامل ۵ نمره شفاهی (روانخوانی - لغت - پاسخگویی به سوالات به زبان عربی براساس آموخته ها) و ۱۵ نمره کتبی (ترجمه لغات- ترجمه متون- جمله سازی-.....) می باشد.

افزایش : منظور من از افزایش بالابردن سطح نمرات دانش آموزان جهت ورود به پایه بالاتر و یادگیری هرچه بیشتر تر است.

نمره : وسیله ای است که می توانم میزان یادگیری دانش آموزانم را با آن بسنجم.

روش جمع آوری اطلاعات (شواهد ۱)

۱. مصاحبه (دانش آموزان و اولیاء).

۲. پرسشنامه

چگونگی انجام کار :

باتوجه به نمرات دانش آموزان وموقعیت کلاس وپرسشنامه جمع آوری شده از اولیاءراه حل های زیررا بررسی کردم.

۱. استخراج کلیه افعال درس هر جلسه.

۲. انجام مسابقه فردی وگروهی ساخت صیغه های فعل در کلاس.

۳. آموزش از طریق ایماءواشاره.(ایجاد رمز به خصوص برای هر صیغه)

۴. تشویق سرگروه ها برای کار با افراد ضعیف.

۵. جابجایی ساعت تدریس هفتگی در برنامه روزانه.

نتایج حاصل از فرم نظر سنجی:

- نحوه تدریس معلم (۰)

-سخت بودن عربی پایه دوم (۰)

- عدم انگیزه دانش آموزان واولیاء ایشان جهت فراگیری زبان عربی به عنوان زبان دوم. (۰)

- عدم تکرار و تمرین در منزل (۵۴)

-عدم جایگزینی صحیح در برنامه هفتگی (۷۲)

- استفاده بدون برنامه از تلویزیون- کامپیوتر و ماهواره (۴۵)

- عدم پیگیری اولیاء (۹)

- کم بودن ساعات تدریس درس عربی (۴۵)

گردآوری اطلاعات شواهد ۲

باتوجه به بررسی های انجام شده با هماهنگی با کادر دفتری جای درس عربی را در برنامه هفتگی به دو ساعت اول روز یکشنبه انتقال دادیم.

جهت تدریس درس جدید از دانش آموزان می خواستم در منزل مروری بر درس جدید داشته باشند کلیه لغات جدید و افعال جدیدی که در درس می بینند در دفتر عربی یادداشت کنند در ابتدای کلاس پس از تدریس قواعد با کمک البوم افعال ضمن قرائت درس جدید از آنها می خواستم افعال جدید را با نوع فعل وصیغه برای کلاس مشخص کنند.

متن درس هم با کمک دانش آموزان ترجمه می شد و من صرفاً متون ترجمه شده را تصحیح می کردم . کم کم این کار باعث ترغیب و تشویق دانش آموزان جهت مشارکت در تدریس شد تا جایی که دانش آموزانی داوطلب تدریس می شدند.

همانطور که می دانیم در تدریس به روش بازی، روابط اجتماعی فراگیران، مشارکت پذیری و اعتماد و روحیه ی تعاون تقویت می شود. بازی برنامه ایی متعادل و فرآیند محور فراهم می آورد که همه ی اهداف رشد را تحقق می بخشد. و در عین حال به ارتقای مهارت های جسمی، گفتاری و اجتماعی یاری می رساند.

فعالیت های گروهی و انفرادی باز با خورد های فوری برای معلم در توجه نشان دادن به هر فراگیر فراهم می آورد. مهم تر از همه ، یادگیری را برای فراگیران لذت بخش می سازد و در آن ، انگیزه ای مداوم برای آموزش های

مدرسه ای به وجود می آورد. (به نقل از کتاب آموزش و پرورش در پیش دبستان، نوشته وینتا کول، ترجمه فرحنده مفیدی، تهران: سمت، ۱۳۷۴)

دانش آموزان از نظر علایق و توانایی ها متفاوت اند. بنابراین عده زیادی از آنها تمایل زیادی به بازی دارند و هر فعالیتی را در قالب بازی دوست دارند. معلم باید از این موقعیت برای آموزش مفاهیم

استفاده کند البته این روش تا حدودی دشوار است اما اثربخشی آن در یادگیری قابل توجه است. (منوچهر فضلی خانی، ۱۳۸۶: ۲۷۱)

بنابراین روش دیگری که پس از خاتمه درس اجراء می شد مسابقه فردی یا گروهی بود. در مسابقه فردی دو نفر از دانش آموزان شرکت می کردند افعال خاصی از آنها خواسته می شد با زمان مشخص و شخص برنده توسط دانش آموزان تشویق می شد.

در مسابقه گروهی فعل خاصی از گروهها خواسته می شد گروهی که زودتر پاسخ رامی نوشت با گفتن کلمه سُک سُک زمان را خاتمه می داد و در صورتی که پاسخ درست می داد نمره تشویقی می گرفت.

۱. ارتباط نزدیکی بین آموخته های قبلی دانش آموزان با مطالب درس جدید وجود دارد.

۲. مشارکت دانش آموزان در تدریس های به تعمیق آموخته های او کمک شایانی می کند.

۳. انجام بازی فردی و گروهی کلاس را شاداب و از دلزدگی نسبت به درس عربی می کاهد.

۴. عامل تشویق تاثیر محسوسی در بهبود فرآیند یادگیری دارد.

۵. استفاده از وسایل کمک آموزشی در یادگیری دانش آموزان نقش مثبت دارد.

پیشنهادات :

۱. ازدانش آموزان بخواهیم با آمادگی قبلی جهت تدریس درس جدید در کلاس حاضر شوند.
۲. از تدریس قواعد درس جدید و ترجمه متن درس بدون مشارکت همه دانش آموزان بپرهیم.
۳. سعی کنیم کلاس درس محیطی شاداب و فعال باشد و در این بین نقش بازی را در آموزش فراگیران فراموش نکنیم.
۴. نوجوان تشویق شدن و دیده شدن را می خواهد پس با این حربه آموخته های او را تعمیق کنیم.

کتابخانه علمی آسمان

منابع

۱. بارو، ر.و.ودز. در آمدی بر فلسفه آموزش و پرورش ، ترجمه ی فاطمه زیبا کلام، تهران: دانشگاه تهران ،

۱۳۷۶

۲. ترزا، شکوفائی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی ، تهران نشر دنیای نو، ۱۳۷۵

۳. حسینی ، افضل السادات ، چگونگی ایجاد پرورش خلاقیت در دانش آموزان.قسمت دوم)، رشد معلم، ۱۳۷۶،

شماره ۵، صص ۴۶-۴۷

۴. شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری ، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴

دانشگاه علمی اسلام